

اشاعه مالکیت فکری

تالیف:

مقداد محمدیان

(مدرس دانشگاه)

ویراستار:

عبدالرضا آزادی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

فهرست مطالب

۷ مقدمه
۹ فصل اول
۹ کلیات
۴۳ فصل دوم
۴۳ بررسی و شناخت حقوق مالکیت فکری
۷۵ فصل سوم
۷۵ آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری
۹۷ فصل چهارم
۹۷ نتیجه گیری و جمع بندی
۱۰۷ منابع و مآخذ

مقدمه

اثری که در نتیجه همکاری چند نفر به وجود می‌آید ممکن است دارای وضعیت‌های متفاوت باشد. ممکن است همکاری با هماهنگی و سازماندهی شخصی حقیقی یا حقوقی و یا با هماهنگی بین خود مؤلفان بدون دخالت شخص ثالث صورت گیرد. در این همکاری ممکن است سهم مشارکت‌کنندگان قابل تعیین و یا غیرقابل تعیین باشد. مشارکت هریک ممکن است از یک نوع و یا انواع گوناگون باشد، به عنوان مثال، اثر دارای عناصر ادبی و هنری باشد، یا اینکه از یک نوع مثلاً ادبی تنها باشد (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۵۴). این امکان وجود دارد که مؤلف در تهیه اثر از اثر سابق بهره گرفته باشد که در این صورت از اثر جدید تحت عناوین گوناگون ثانوی، مشتق و یا اشتقاقی یاد می‌شود. این نوع آثار شامل اقتباس، ترجمه، جنگ در زمینه ادبی و تنظیم در زمینه موسیقی و تبدیل در زمینه هنرهای پلاستیکی (تجسمی) می‌شود. اگر مؤلف اثر سابق در تهیه اثر دوم همکاری داشته باشد اثر دوم ثانوی نیست، بلکه اثر مشترک تلقی می‌شود. به هر حال امکان اینکه یک اثر مشترک در عین حال ثانوی هم باشد، وجود دارد.

چنانچه کلیه آثار آفریده شده توسط دو یا چند نفر، اعم از اینکه همکاری بین آنها به طور مستقیم و یا غیرمستقیم باشد را مرکب بنامیم، در این صورت آثار مرکب دارای انواع گوناگون اشتقاقی، جمعی و مشترک خواهد بود. آثار جمعی و مشترک به لحاظ شباهت‌های فراوان در برخی نظام‌های حقوقی^۱ و تألیفات پاره‌ای مؤلفان (نوروزی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹) با یکدیگر خلط شده اند. هدف این نوشتار بررسی مفاهیم یاد شده، ترسی وضعیت حقوقی آنها و تعیین ملاک تشخیص آن دو است. در رشته حقوق مالکیت فکری مؤلفان به اعتبار آثارشان مورد حمایت می‌باشند. اگر در آفرینش اثر افراد متعدد شرکت کرده باشند، در این صورت طبیعی است که کلیه مؤلفان با توجه به میزان و نحوه مشارکت آنها مشمول حمایت قرار گیرند. به عبارتی دیگر نحوه مشارکت آفریننده در آفرینش اثر عامل تعیین‌کننده در نوع و عنوان اثر و نیز تعیین حقوق شریک همکار و اجرای آن است. در اکثر نظام‌های حقوقی



به عناوین اثر مشترک و جمعی به عنوان آثاری که در نتیجه فعالیت دو یا چند نفر حاصل می‌شود اشاره شده است، بدون اینکه بر مفهوم این اصطلاحات، نوع و میزان حقوق اختصاصی بین آنها اتفاق نظر وجود داشته باشد (ر.ک. صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱)

در برخی قوانین معیار تشخیص اثر جمعی از اثر مشترک تشخیص و تعیین مؤلف هر بخش قرار گرفته است، با این توضیح که اگر مؤلف هر بخش مشخص باشد اثر جمعی و در غیر این صورت اثر مشترک خواهد بود. قانون‌گذار نیز تحت تأثیر برخی قوانین بیگانه طی ماده ۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، و نیز ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدید آورندگان نرم‌افزاری رایانه‌ای به تعریف اثر مشترک پرداخته است. ۱. به منظور ارزیابی مواد یاد شده ابتدا اثر جمعی (الف)، سپس اثر مشترک (ب)، با تأکید بر حقوق فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد، سرانجام نقد مواد قانونی مربوط در حقوق داخلی با توجه به بررسی صورت گرفته نتیجه این تحقیق را تشکیل خواهد داد.

مبحث اول: تاریخچه حقوق مالکیت فکری

یکی از موهبت‌های الهی که در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده است، احساس مسئولیت نسبت به داشته‌های خود و اعتقاد به ضرورت حفظ و صیانت از آنهاست؛ احساسی که در جوامع انسانی از آن به عنوان نهاد حقوقی «مالکیت» یاد می‌شود. ابناء بشر تمایلی قوی به حفظ یافته‌های مادی و معنوی و گسترش و افتخار به آنها را در خود دارد. این احساس در انسان ابتدا نسبت به اموال مادی به وجود آمد. و تا قرون گذشته تلاش‌های فکری بشری اگرچه مورد احترام و اکرام بود اما نیازهای مادی وی اساساً با کار و تلاش فیزیکی و تبادل اموال عینی یا پرداخت پول و ما به ازاء برطرف می‌گردید. اما از زمانی که جوامع مدرن به مفهوم امروزی آن شکل گرفت و شهرنشینی به سبک جدید رواج پیدا کرد، دانش و فن به عنوان انگیزه‌ای برای رشد جوامع مطرح گردید و رونق پیدا کرد؛ به ویژه از قرن پانزدهم به بعد اندیشه‌ورزی و تراوش‌های فکری به مبنایی برای کسب ثروت تبدیل شد و صبغه اقتصادی به خود گرفت و امروز از آن به عنوان عاملی مهم برای رشد اقتصادی و توسعه جوامع یاد می‌شود.

با ظهور صنعت چاپ و امکان نشر آسان کتب علمی و ادبی و هنری، سرقت و سوءاستفاده از آثار فکری دیگران نیز میسر شد. و کم‌کم صاحبان اندیشه و هنر دریافتند که برای حفظ دستاوردهای فکری خود می‌بایست سازوکاری فراهم آورند. این نهضت ابتدا موجب فراهم آمدن زمینه برای صدور گواهی‌نامه‌هایی از سوی سلاطین اروپایی، تحت عنوان حق امتیاز گردید. این رویه هم منافع دارنده گواهی را فراهم می‌ساخت و هم امکان کنترل اندیشه‌ها از سوی حکام را به وجود می‌آورد. این حمایت‌ها کم‌کم به وضع قوانین ملی انجامید که از آن میان می‌توان به اولین قانون موضوعه برای حمایت از اختراعات به سال ۱۴۷۴ در ونیز اشاره کرد. قانونی که حقوق انحصاری لازم را برای مخترع برای مدت ۱۰ سال فراهم می‌ساخت. و به دنبال آن در سال ۱۶۲۴ در انگلستان حمایت از مالکیت فکری در قالب حمایت از اختراعات آغاز و منتهی به وضع قانون حق مؤلف در ۱۷۰۹ و به تدریج سرایت این حرکت به کشورهای دیگر گردید. به طوری که امروز شاهد نهادینه شدن این تأسیس حقوقی در تمامی کشورها هستیم.



وضع قوانین در خصوص حقوق مالکیت فکری در ایران با تصویب قانون ثبت علائم تجارتي ایران در ۹ فروردین ۱۳۰۴ شروع و با اصلاحات بعدی به تصویب قانون ثبت علائم و اختراعات در ۲۹ تیرماه ۱۳۱۰ منجر گردید که به همراه آیین‌نامه اصلاحی آن تا زمان حاضر مورد استناد متقاضیان ثبت علائم و اختراعات قرار گرفته است. به موازات وضع قوانین، در معاهدات مودت و همکاری‌های فنی و تجاری بین ایران و برخی کشورها، حمایت از علائم تجاری و اختراعات مورد توجه بوده است که این حمایت‌ها صرفاً به مناسبات دوجانبه طرف‌های معاهدات مذکور محدود می‌گردیده است. قوانین و مقررات دیگری نیز پس از آن در زمینه‌های مختلف و توسط مراجع ذی‌صلاح به تصویب رسیده و مورد استفاده و استناد قرار گرفته و می‌گیرد که می‌توان در زمره آنها از قانون مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۴۴/۳/۲۹ با اصلاحات بعدی آن و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ و آیین‌نامه اجرایی آن و قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹ یاد کرد.

در کنار تصویب قوانین و انعقاد معاهدات دوجانبه همکاری‌های فنی و تجاری و معاهدات مودت، با توجه به اقتضائات پیش آمده و احساس ضرورت نهادهای قانونگذاری و به موازات توسعه جامعه، به برخی از معاهدات بین‌المللی مرتبط نیز پیوسته‌ایم؛ از جمله مهم‌ترین این معاهدات، کنوانسیون پاریس راجع به حمایت مالکیت صنعتی در سال ۱۳۳۸ و کنوانسیون مؤسس سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) در سال ۱۳۸۰، اتحادیه موسوم به مادرید و موافقت‌نامه آن راجع به ثبت بین‌المللی علائم و پروتکل مربوط در سال ۱۳۸۰ است. مقررات مندرج در این معاهدات با عنایت به مفاد ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون بوده و پس از تصویب و انتشار لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا می‌باشند. این معاهدات در عین حالی که امتیازاتی را در حوزه تعاملات بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت فکری و تجارت برای کشور ما به ارمغان می‌آورند، تعهداتی را نیز تحمیل می‌کنند تا در راستای ایجاد نظامی منطقی و بین‌المللی امکان داد و ستد در زمینه‌های تجاری، تبادل اطلاعات و انتقال فناوری و منابع اولیه فراهم گردد.

مالکیت فکری یا مالکیت معنوی، مجموعه‌ای از امتیازها و مصونیت‌ها و توانایی‌ها است که پدیدآورنده آفرینش فکری درباره امر غیرمادی و غیرملموس دارد. مالکیت فکری امروزه بخش مهمی از اموال را تشکیل می‌دهد و از جهت‌های گوناگون اهمیت دارد. به لحاظ اجتماعی اثر مالکیت فکری در توسعه دانش و تأمین رفاه تأثیر دارد. به لحاظ اقتصادی با توجه به میزان تولید فکر اهمیت یافته و بخش مهمی از منابع مالی را شکل می‌دهد. مالکیت فکری از جهت سیاسی نیز اهمیت دارد زیرا باعث شکل‌گیری سلطه علمی از طرف کشورهای دارای تولید بالا بر کشورهای واردکننده دانش هستند. پذیرش نظام مالکیت فکری با این فرض که در کشور تولیدات فکری وجود دارد در جهت منافع پدیدآورنده است زیرا وی می‌تواند از منافع اقتصادی تولید خود بهره‌برد. این نظام متناسب با خواست و نیاز مصرف‌کننده نیز است زیرا تولیدکنندگان و کنشگران محیط علمی برای کسب سود خواست مصرف‌کننده را مورد توجه قرار می‌دهند. این امر در جهت مصالح عمومی نیز است زیرا می‌تواند جریان تولید علم را شتاب دهد.

گفتار اول: چیستی مالکیت فکری

از جمله بحث‌های مهم در شناخت مالکیت فکری شناخت چیستی آن است. این موضوع از جمله موضوع‌های فلسفه مالکیت فکری است. مالکیت فکری واژه کلی با مصداق‌های گوناگونی است که وجه مشترک آنها این است که موضوعشان شیء فیزیکی نیست. این میزان از ویژگی برای تعریف و شناخت ماهیت امر، کافی نیست؛ از این رو باید برای شناخت مالکیت فکری به روش‌های دیگر اندیشید. از میان روش‌های موجود دو روش در اینجا مفیدتر است. یکی شناخت مالکیت فکری از راه شناخت مصداق‌ها و دیگری از راه شناخت حقوق مترتب بر پدیده‌های فکری است.

گفتار دوم: تحلیل مصداقی مالکیت فکری

یکی از راه‌های شناخت ماهیت حقوقی، شناخت اجزا و افراد زیر پوشش آن است. قانون‌گذار می‌تواند به جای ارایه تعریف عام، مصداق‌های عنوان را به صورت مستقیم بشمارد و از این رهگذر، خود را از ارایه تعریف برهاند. این وضعیت در کنوانسیون تأسیس سازمان



جهانی مالکیت معنوی امضا شده در استکهلم در ۱۴ جولای ۱۹۷۶ و اصلاحی دوم اکتبر ۱۹۷۹ به چشم می خورد. بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون درباره مالکیت فکری مقرر می دارد:

«مالکیت فکری شامل حقوقی مرتبط با موردهای ذیل خواهد بود:

- آثار ادبی، هنری و علمی؛

- ترجمه هنرمندان مترجم، اجرای هنرمندان مجری، صدای ضبط شده، برنامه های رادیویی؛

- هر گونه اختراعات درباره فعالیت انسان؛

- کشفیات علمی؛

- طرح و نقش و مدل های صنعتی؛

- علائم تجارتي، علائم خدماتی، نام های تجارتي و نام گذاری شرکت ها؛

- حمایت در برابر رقابت غیرقانونی و دیگر حقوقی که مربوط به فعالیت ثمره فکری در

قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری است» (شفیعی شکیب، ۱۳۸۱: ۹۶).

به طور کلی می توان نظام مالکیت فکری را در دو حوزه وسیع مالکیت صنعتی و مالکیت

ادبی و هنری تقسیم کرد. در دسته مالکیت ادبی و هنری، حقوق اخلاقی و اقتصادی اهمیت

دارد و در دسته مالکیت صنعتی، حقوق اقتصادی مهم است.

این شیوه شناخت به امر موجود ناظر است و توان پیش بینی وضعیت آینده را ندارد. افزون بر

این، چنین شیوه ای بیشتر برای آموزش حقوق مالکیت فکری موثر است و چندان برای شناخت

احکام و آثار مفید نیست.

مبحث دوم: حقوق اقتصادی و حقوق اخلاقی مالکیت فکری

به طور معمول نظام های مالکیت فکری متضمن دو دسته حقوق برای پدیدآورنده هستند؛

حقوق اقتصادی و حقوق معنوی یا اخلاقی. در ادامه این دو دسته حقوق را بررسی می کنیم.

گفتار اول: حقوق اقتصادی مالکیت فکری

مهم ترین هدف هر نظام مالکیت فکری اطمینان دادن به پدیدآورنده است که به صورت

انحصاری حق استفاده از منافع اقتصادی پدیده فکری خود را دارد و حقوق از این امر

به صورت شایسته حمایت می کند. حقوق اقتصادی مالکیت فکری به پدیدآورنده حق



انحصاری بهره‌برداری را برای مدت معین اعطا می‌کند. اما از آنجا که ماهیت پدیده‌های فکری و شیوه بهره‌برداری آنها یکسان نیست، قانون‌ها، مصداق‌های بهره‌برداری را در هر حوزه و موضوع مورد توجه قرار داده است. این مصداق‌ها ناظر به شیوه‌های بهره‌برداری متعارف است و با توسعه شیوه‌ها چه بسا این حقوق نیز توسعه یابد.

همچنین این حقوق، موضوع قاعده‌ها و حقوق دیگری مانند: حق نقل و انتقال، ارث، رهن گذاشتن و اعطای مجوز بهره‌برداری و ... واقع می‌شود. این دسته از حقوق (حق نقل و انتقال و ...) در حقیقت دامنه حق بهره‌برداری و استفاده حقوق اقتصادی را روشن می‌کند. از آنجا که حقوق مالکیت فکری دو شاخه ادبی و صنعتی دارد در ادامه به حقوق اقتصادی در این دو حوزه می‌پردازیم.

بند اول : حقوق اقتصادی مالکیت صنعتی

کمرنگ بودن حقوق معنوی و اهمیت ویژه منافع اقتصادی در پدیده‌های صنعتی، جنبه اقتصادی مالکیت صنعتی را بسیار برجسته کرده است. حقوق اقتصادی دو جنبه دارد: ایجابی و سلبی. حقوق اقتصادی به لحاظ ایجابی برای پدیدآورنده درباره موضوع پدیده فکری نسبت به انواع بهره‌برداری سلطنت پدید می‌آورد و به لحاظ سلبی پدیدآورنده می‌تواند مانع دیگران از بهره‌برداری شود. نکته مهم اینکه حقوق ایجابی و اعمال آن در نظام‌های حقوقی با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو است. از این‌رو برخی ترجیح می‌دهند در تعریف و شمارش حقوق مترتب بر پدیده‌های فکری فقط از حقوق سلبی یاد کنند. ما در ادامه با رویکرد ایجابی حقوق اقتصادی مترتب بر پدیده‌های فکری را بررسی می‌کنیم.

الف : حق انحصاری ساخت

روشن‌ترین نتیجه اختراع محصول، ساخت و تولید انبوه آن است که به‌وسیله آن، پدیدآورنده به منافع اقتصادی دست می‌یابد. نظام‌های حقوقی مالکیت فکری از این امر حمایت می‌کنند و حق انحصاری ساخت و تولید اثر اختراع شده را به پدیدآورنده می‌دهند. براساس این حق انحصاری، مخترع می‌تواند دیگران را از ساخت و تولید اثر منع کند.